

آگهی مناقصه

اداره امور سیل و کارخانجات بوجاری ده عدد موتور الکتریکی سه فاز به پتانسیل پدازی می نماید.

صورت مشخصات و شرایط مناقصه قرارداد کار پدازی اداره موجود و پراکنده بخواست کنندگان داده خواهد شد.

پیششاهای باستانی تا آخر وقت اداری روز دوشنبه ۹ شهریور بدین اداره تسلیم شوند.

پیششاهای واسه در ساعت ده روز ۱۰ شهریور باز و خوانده خواهد شد - ش- ۹۵

اداره امور سیل و کارخانجات بوجاری

از نرخ خورده فروشی چاههای خارج دولتی بسته هشت وصال کسر و بر نرخ چاههای داخل
بسته دور وصال و نیم اضافه شده است بنا بر این بهای یک بسته چای دوجہ یک خارجه ۶۶ ریال و برای یک
بسته ششگای داخل (منزل) ۲۵۰ ریال است باین ترتیب بهای یکمکه گرم چای دوجہ یک خارجه ۱۰۵
گرم ششگای یک دو مقال شارد دو کوبین ششنامه برای شومعه مراده و شهر یون و سوله عاملین
تهران فروخته میشود و ریال و پنجده دینار میباشد.

شماره ۸۸۶ - اداره کل قند و شکر و جای ۲-۶

[illegible]

من از همه اینها حرف نظر بشوده میگویم
مسلم بداریم که آن رسیده ما راجع به پرونده شرح
است ولی چه ملازمه با کشتن او دارد؟ ما می
دانیم که شیخ در تحت نظر این کار آگهیانی بود
و اینها عیبه او و بسنگش را می باریدند و آن
چه مانع دارد که یک گمشدنی میسر در باره
گروه و آگهی دانه و در برابر این اسامی
گرفت باشند؟ آیا اگر داستان قتل در خورشید
یوسفیان نیز یکی از قربان بشوده شدنی
خود به تنهایی دلیل بقرینه باشد
اینها و دیگری؟ دانستنیست که از یک یک آنها
بحث کردیم - باید توضیح دهیم که مقصود ما از ادله
در گفتگوی قانونی و در اصطلاح قضایی جز از
آن مناسبت کلیه در گفتگوهای قضایی اولیه

مقابل آن را می گویم که برای هر شیعی
عالمی تولید علم و اطمینان کند. شما اینها را نیک
بینید پس از اینها بتوان مطمئن گردید که شیخ
گفته اند... اینها که هر کدام به شورای عالیست
نه از ویسرفه آنها یکدیگر را بیند می آید.
بجایات پیروند قضیه این بوده که چون شیخ خواجه
مردم برخی گفتگو در میان مردم بوده کسانی
بدین چنین گفته اند که او را گفته اند و آنرا
روزیان عادت مردم بود که هر کسی از اذیت نظری
های مردم می گفتند «خبر گرفته اند» از ایرانیان
لا انگه به استقامتشان می کردند و آنرا

هو کثیر خواست بکشت های بنو بنو دهل
(زن دیگر شیخ) و کسر آن بانو و طوبی نامی
استاد شده نصحت باید داشت این بیانات از آن
مؤمن مستوفیست زیرا بحکایت خود برده بانو
بنو چون باز نخست به قره پل بر سر آمدند
رشته بیانات صافه ای در باب آنکه شیخ آتش بیمار
بوده و زرباره در گردا گرفته و بنده ادان که ظالم بنو
از خواب مرغاسته وری را شناخودن باطابق دیگر
فته ناگهان شنیده که میگویند شیخ سکه کرده.
وای بر سر نان بیانات قاض عسکریه و انبیت
وای دیگر او را احتضار کرده (در عشار گرداده
که میگویند شیخ را کشته اند و ده پانچ راستی
را میگویند.

اجاست او هم بیکر شدند و بیکری برداشتند
که در کفر خواست از زبان او نقل گردیده و چون
و نقل با کبر او شده. این حال آن بیانات و ولی
من میگویم آن بیانات صگی راست است. - بیستم
چه دلالتی نقل دارد ؟

خلاصه آنها اینست که پس از چند شبصدا
صداها شروع پیدا شده اند و کثیر خواست از
طایف بیرون بیاید و بگوید موضوع چیست ولی درین
وقت از اینست مرسته اند و نتوانسته بیرون بیایند
از این بیان چه معنی توان فهمید ؟ و آنرا که
اگر این داستان و استعانت و قبول علم و کثیر او
بیکسو اصرار نسبت بشیخ فایده اند یا بیش دیگر
خوابشان نبرد و پس از وقت گذشته گان بیرون آیند
و شیخ سری زده و پسرانه که موضوع چه بود
نه آنکه بخواهد و بعد از آن نیز تا ساعت شصت
بروا و ناگاه که بالند و دردی نداشت خوردن و بلعند
آن هنگام که خبر مرگ شیخ و را شنوند ،
(۹) اعتراضات خود متوجه آنکه در آنرا

ستان اطرافات خود نهیاز است تا قلیق اهرج
 داده اند که چگونه بهانه شیخ رفتن او را کشته اند
 آری چنین اطرافاتی در برومند هست لیکن
 نه باین سادگی و معالی - ما چون برومند واجب بود
 میبایستیم بی سبب و حقیقی و مری و بی غرض و در
 نضت خود بترکه بایز رفتن در حرمه از داستان
 کشتن شیخ بی احتیاجی نموده و با سادگی و معالی
 بیانی کرده اند -

لیکن پس از مدتی چون دوباره به پیش آمدیم
 آمده اند این بار لهن کنگره ها شان و با قاری تغییر
 یافته است و بکر شده بیانی کرده اند در باره آنکه
 با دستور بغدادی بیانه شیخ رفتن و او را کشته اند
 و این معانی اطرافاتی است که در برومند به آن
 استناد میشود -

ولی هایل، نهیلان بی از چاندی دو بلور از
سختن خود بازگشت و نامنهائی از زمان بغدادستان
نوشته آگاهی وایب اند که ایبریس با زور و فشار
را وادار بکنن آن سختان کرده و آنها اعتبار تداور
میس در محضر داده که بر هرسه با یک لحن جدی
شرح دادند که با دستور جایزین آغاورد به زنجان
انباشت و دوسرهای زمستان بی تحاله و بالا پوش
گراوده و نان نیز بسیار کم داده اند و این حال
بیش از یکساله شکوه داده میس بشد خود خواص
و آشکاره تغلب کرده که باید بهتری که من می
گویم اقرار کند و گفته دو بلور همان زمان و بعد
خواهد رفت و آجا باید میرسد . بی شرح دادند
که آن را تطمیع کرده اند که اگر با دستور
بازرس بنیانی کشته بخواهد گرفت و برای
اعزای ایشان چایک نوشته و عروقتله الا با سنگ
دو هزار و پل بر نان برداشت اند که شرح کرده
است . ایها را با نصیب بسیار شرح دادند .

کون ما می بینیم بیانت متهمان دو گونه بود
و می اندیشیم که کدام یکی را دشمن شماریم و دلیلی
گیریم . دادستان میگوید
اینها را تعدادی به ایشان پله داده - همان
انتخابات راست تر است .

مفادی هم گفت: آن بیلبک اول دوست
است. این دومی را با جبار تلقی کرده اند.
ما حق این بیلبک مردمانه میخوانیم. بیلبک
جستجوی کنیم. می بینم از یکسو خود آنان گفت
مفادی را تحسین می کنند. از آن سوی اسامه
مطلب ثابت می کند که این احترامات دوست نیست
زیرا ما چون این دو روش بیانات متناقض را بجا
آورده می اندازیم، ما دوست میگویم برای عدو
مردمان از این بیانات اول یک علت لازم است و چیز
آخیری می علت نتواند بود و هر چه جستجوی کنیم
علت دیگری جز اینکه بگویم لغز و شکجه ده
میان بوده پیدا نمی کنیم